

تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای

علیرضا جمشیدی* / داود جمینی** / اسکندر صیدایی*** / مریم نجفی****

۱۳۹۱/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۱/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش مقاله:

چکیده

یکی از راه‌های مهم آگاهی از وضعیت مسکن در فرایند برنامه‌ریزی روستایی، استفاده از شاخص‌های مسکن می‌باشد. این شاخص‌ها بیانگر وضعیت کمی و کیفی مسکن روستایی از یک سو و بهبود بخشی برنامه‌ریزی مسکن از سوی دیگر برای یک افق بلندمدت است. در این پژوهش ابتدا مفهوم و جایگاه شاخص‌های مسکن روستایی و ویژگی‌های مسکن روستایی کشور مرور شده و سپس با استفاده از مهم‌ترین مؤلفه‌ها و شاخص‌های مسکن وضعیت مسکن مناطق روستایی شهرستان‌های استان ایلام بررسی و نهایتاً به سطح بندی نواحی روستایی منطقه مورد مطالعه با استفاده از این شاخص‌ها پرداخته خواهد شد. پژوهش حاضر، با توجه به هدف توصیفی - تحلیلی بوده که با استفاده از روش اسناد و مطالعات کتابخانه‌ای انجام گرفته است. از میان متغیرهای مربوط به مسکن، ۲۲ شاخص استخراج و با استفاده از روش تحلیل عاملی به ۵ عامل تقلیل یافته‌اند؛ عوامل به دست آمده از تحلیل عاملی، جمعاً ۹۷/۶۰ درصد از واریانس را در بر می‌گیرند. در بین ۵ عامل استخراج شده، عامل رفاهی به تنهایی ۲۵/۴۰۶ درصد واریانس را پوشش می‌دهد که تأثیرگذارترین عامل در مطالعه می‌باشد. به منظور سطح بندی نواحی همگن روستایی از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده و نقاط روستایی استان به ۴ گروه همگن طبقه بندی شده‌اند که بر اساس آن مناطق روستایی شهرستان شیروان و چرداول در بالاترین سطح و مناطق روستایی شهرستان‌های دهلران، دره شهر و آبدانان در پایین‌ترین سطح از حیث برخورداری از شاخص‌های مسکن قرار دارند.

واژگان کلیدی: تحلیل عاملی، تحلیل خوشه‌ای، شاخص‌های مسکن، نواحی روستایی استان ایلام.

* دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان. Alireza472003@yahoo.com

** کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان.

*** عضو هیئت علمی گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان.

**** کارشناس ارشد توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان.

مقدمه

مسکن از جمله مهم‌ترین مسائلی است که انسان‌ها همواره با آن دست به گریبان بوده و در تلاش برای رفع این مسئله و یافتن پاسخی مناسب و معقول برای آن بوده‌اند. مشکل مسکن موضوعی است که امروزه همه کشورها را به نوعی، متناسب با شرایطشان، گرفتار ساخته است. در حالی که در کشورهای پیشرفته، مسکن بُعدی از رفاه اجتماعی بوده و برنامه‌های توسعه مسکن بر بهبود کیفی متمرکز هستند، در کشور ما مسکن یک نیاز اولیه محسوب شده و تأمین آن هم ردیف با تأمین غذا و پوشاک به شمار آمده است (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۵۸). مسئله برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن مناسب و الگوی مطلوب برای ساکنان روستایی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان روستایی است. با وجود تلاش‌های انجام گرفته در مسیر تحول و توسعه مسکن روستایی کشور، اما این مسئله همچنان در اولویت برنامه‌های توسعه روستایی قرار دارد (لطفی و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۰۵).

امروزه مسکن و مسایل مربوط به آن به‌عنوان یک مسئله جهانی مطرح است و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف به دنبال راه‌حل‌هایی برای حل مسائل مربوط به آن می‌باشند (Buckley & Kalarickal, 2005: 237). بیشترین آسیب ناشی از این مسئله متوجه اقشار کم درآمد جامعه و از جمله اکثریت جامعه روستایی (که در این گروه قرار می‌گیرند) می‌باشد. مسکن نسبت به سایر کالاها به دلیل ویژگی‌هایی مانند غیر قابل جایگزین بودن، سرمایه‌ای بودن، باداوم و پرهزینه بودن، و غیرمنقول بودن (Gallent & Robinson, 2011: 298) می‌تواند عامل عمده نابرابری و در عین حال همبستگی اجتماعی به‌شمار رود (باستیه و درز، ۱۳۷۷: ۲۹۶).

در کشورهای در حال توسعه به دلیل رشد سریع جمعیت، فقدان منابع مالی، مشکلات مربوط به زمین،

کمبود نیروی انسانی ماهر و مهم‌تر از همه نبود سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب در رابطه با زمین و مسکن، این مسئله به‌صورتی حاد و بحرانی درآمده است. از این رو میزان دستیابی به وضعیت مطلوب مسکن چه در نواحی شهری و چه در نواحی روستایی به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه اقتصادی اجتماعی در کشورهای جهان محسوب می‌شود (Arnott, 2008, 11).

در ایران مناطق روستایی در ترکیب جمعیتی و نظام فضایی سکونتگاه‌های کشور از جایگاهی ویژه‌ای برخوردارند. این مناطق گذشته از نقش پر اهمیت‌شان در چرخه تولید کشاورزی، موجبات رونق و آبادانی پهنه وسیعی از سرزمین را فراهم ساخته‌اند. به‌علاوه بخش بزرگی از تاریخ، فرهنگ و هویت کشور ما در دل این مناطق نهفته است. (علی الحسائی، ۱۳۸۷، ۲۶). در بین عناصر تشکیل دهنده بافت سکونتگاه‌های روستایی، مسکن یکی از عمده‌ترین عناصر تشکیل دهنده آن می‌باشد که سازمان فضایی ونحوه استقرار و ساخت آن بیانگر کیفیت استفاده از محیط و چگونگی تأثیر اقتصاد، سنت‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه روستایی می‌باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸۷، ۱۲۵). مقوله مسکن روستایی در ایران در ابعاد مختلف تحت‌الشعاع مسکن شهری قرار گرفته است. با وجود تلاش‌های صورت گرفته در مسیر تحول و بهبود آن و اولویت دادن آن در برنامه‌های توسعه روستایی، تأمین مسکن همواره یکی از معضلات اقشار گوناگون به‌ویژه خانواده‌های کم درآمد روستاییان بوده است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۶).

مساکن روستایی در ایران با توجه به تنوع اقلیمی و جغرافیایی دارای تیپ‌های مختلفی است. این مساکن با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، وضعیت زمین، نوع معیشت، شیوه‌های زیستی و سبک زندگی هر ناحیه ساخته شده‌اند. روستاییان با توجه به دسترسی به مواد

سازمان‌های ذی‌ربط و عملکرد آنان از سوی دیگر خواهد بود (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۸).

در استان ایلام طبق سرشماری انجام شده در سال ۱۳۸۵، حدود ۳۹ درصد از کل جمعیت آن در روستاهای این استان با تراکم ۲۷ نفر در هر کیلومتر زندگی می‌کنند. با توجه به اینکه استان مورد مطالعه یکی از استان‌های محروم کشور بوده و به‌علت ضعف بنیه مالی اغلب روستاهای این استان در مسکن نامناسب، دارای ساخت و ساز بسیار قدیمی و از لحاظ مقاومت بسیار ضعیف، از لحاظ فضاهای متنوع و استاندارد موجود در هر مسکن در سطح بسیار پایین و با وسایل تهویه ناقص زندگی می‌کنند. پژوهش حاضر به دنبال جواب به این سؤال بوده که وضعیت مسکن روستایی استان از نظر شاخص‌های مهم مسکن چگونه است؟ و نواحی همگن استان از حیث میزان برخورداری آن شاخص‌ها چگونه است؟

مبانی نظری تحقیق

مسکن که در لغت به معنی محل سکنی گزیدن است دارای ابعاد متنوع و پیچیده‌ای می‌باشد که شکل‌گیری آن، بازتاب و برآیند شرایط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، محیطی و ایدئولوژی می‌باشد و معنی آن با توجه به گوناگونی شرایط فوق تغییر می‌کند (حبیب، ۱۳۸۳، ۱۵). مفهوم مسکن علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را نیز در بر می‌گیرد که شامل کلیه خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز در بهزیستن روستاییان و بهداشت افراد است. در واقع تعریف و مفهوم عام مسکن یک واحد مسکونی نیست بلکه کل محیط مسکونی را شامل می‌شود و به‌عبارت دیگر مسکن چیزی بیش از یک سرپناه صرفاً فیزیکی است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۱۰). به‌طور کلی، با توجه به تعریف مسکن در ابعاد مختلف، می‌توان مسکن مناسب و بهینه را چنین تعریف

اولیه مسکن که اغلب از منابع محلی تأمین می‌شود، اقدام به احداث مسکن خود می‌نمایند که در نهایت استانداردهای مربوط به مسکن، رعایت نشده است. از این‌رو توجه جدی به کیفیت و کمیت مسکن روستایی، در برنامه‌ریزی‌های توسعه روستایی لازم و ضروری می‌نماید؛ چرا که مسکن مناسب و استاندارد از شاخص‌های توسعه روستایی به‌شمار می‌آید (قنبری، ۱۳۹۰، ۳۴). لذا، عدم دسترسی به مسکن مناسب و استاندارد که از شاخص‌های توسعه روستایی می‌باشد، باعث بروز آسیب‌های روانی و اجتماعی در زندگی روستاییان و اختلال و ناهنجاری در بافت مسکونی روستاها و در نهایت بحران‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی می‌گردد. به‌همین دلیل مسئله برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مناسب مسکن و دستیابی به الگویی مطلوب برای ساکنان روستایی از دغدغه‌های برنامه‌ریزان روستایی است (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۷). یکی از راه‌های مهم آگاهی از وضعیت مسکن در فرایند برنامه‌ریزی روستایی، استفاده از شاخص‌های مسکن می‌باشد (عزیزی، ۱۳۸۳، ۳۲). این شاخص‌ها از یک سو بیانگر وضعیت کمی و کیفی مسکن روستایی در هر مقطع زمانی بوده و از سوی دیگر راهنمایی مؤثر جهت بهبود بخشی برنامه‌ریزی مسکن برای آینده (ابزار کلیدی برای ترسیم چشم‌انداز آینده مسکن) می‌باشد (ستارزاده، ۱۳۸۸، ۵۷). همچنین، برای آگاهی از میزان دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده در اصول قانون اساسی کشور و برنامه‌های بلند مدت توسعه کشور، بخصوص در مورد مسکن، تعریف شاخص‌ها و معیارهایی برای وضعیت‌سنجی موجود مسکن روستایی کشور میسر خواهد بود؛ چرا که شاخص‌ها ابزار مناسبی برای سنجش وضعیت موجود و میزان تحقق برنامه‌ها در طول اجرای آن‌ها از یک سو و شفاف‌سازی در امر نظارت بر چگونگی اجرای

کرد: مسکن مناسب عبارت است از فضای سکونتی مناسبی که آسایش، دسترسی مناسب، امنیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی کافی، تهویه و دارای زیرساخت‌های اولیه مناسب مانند آبرسانی، بهداشت و آموزش، محیط زیست سالم، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه و همچنین زمینه رشد و تقویت روابط بین اعضای خانواده (ارتباط افقی) و روابط همسایگی (ارتباط عمودی) را برای ساکنانش فراهم آورد و مهم‌تر از همه متناسب با توان مالی خانوار باشد (ملکی، ۱۳۸۲: ۶۲).

در دومین اجلاس اسکان بشر (۱۹۹۶) که در استانبول برگزار شد مسکن مناسب چنین تعریف شده است: سرپناه مناسب تنها به معنای وجود یک سقف بالای سر هر شخص نیست، سرپناه مناسب یعنی آسایش مناسب، فضای مناسب، دسترسی فیزیکی و امنیت مناسب، امنیت مالکیت، پایداری و دوام سازه‌ای، روشنایی، تهویه و سیستم گرمایی مناسب، زیرساخت‌های اولیه مناسب از قبیل آبرسانی، بهداشت و آموزش، دفع زباله، کیفیت مناسب زیست‌محیطی، عوامل بهداشتی مناسب، مکان مناسب و قابل دسترسی از نظر کار و تسهیلات اولیه که همه این موارد باید با توجه به توانایی افراد تأمین شود (دلال‌پور محمدی، ۱۳۷۹، ۳). بنابراین درک وجوه مسکن و جایگاه آن در نظام روابط اجتماعی مردم و جامعه نیز با در نظر گرفتن تمامی وجوه نمادین، نهادین، مادی و زیبا شناسانه فرهنگ مسکن امکان‌پذیر است. به عبارتی جامعه‌شناسان معتقدند که مسکن به عنوان سرپناه و مرکز ثبات و همبستگی خانواده‌ها می‌باشد. اقتصاددانان بر این باورند مسکن روستایی علاوه بر محل نشیمن افراد، محل تولید فرآورده‌های دامی، زراعی، صنایع دستی و از همه مهمتر به عنوان یک کالای سرمایه‌ای مطرح است. جغرافیدانان ساخت و بافت

مسکن را متأثر از روابط متقابل انسان با طبیعت می‌داند که در آن همزیستی و تعامل انسان با دام و طیور دیده می‌شود. به طور کلی مسکن به مجموعه‌ای از تسهیلات گفته می‌شود که به منظور ارائه خدمات فشرده در یک مکان فیزیکی قرار دارد. این واژه بدان معناست که مفهوم مسکن با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی تغییر می‌کند (بهرامی، ۱۳۹۰: ۹۷).

در نظام عقیدتی اسلامی اهمیت مسکن تا جایی است که تأمین آن در قانون اساسی ایران از وظایف دولت معرفی شده است. در اصل ۴۳ قانون اساسی تأمین نیازهای اساسی و از جمله مسکن به عنوان یکی از پایه‌های استقلال اقتصادی و ریشه کنی فقر در جامعه بر شمرده شده است. همچنین در اصل ۳۱ قانون اساسی، برخورداری از مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی بر شمرده شده است. در راستای اجرای این قانون، دولت موظف به تأمین مسکن روستائیان و با اولویت دهی به مناطق محروم می‌باشد (سرتیپی پور، ۱۳۸۴، ۴۶). به منظور ارزیابی میزان دستیابی به اهداف بیان شده در اصول فوق، وجود شاخص‌ها و معیارهایی برای وضعیت سنجی موجود مساکن روستایی کشور ضروری است. این شاخص‌ها نه تنها ابزار مناسبی برای سنجش وضعیت موجود و میزان تحقق برنامه‌ها در طول اجرای آن‌ها است بلکه عامل شفاف‌سازی در امر نظارت بر چگونگی عملکرد سازمان‌های مجری ذی‌ربط خواهد بود (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۰۸).

در دنیای امروز، مسکن و سرپناه بسیاری از جنبه‌های زندگی انسانی را تحت تأثیر خود قرار داده است. به طوری که بیش از ۵۰ درصد درآمد هر خانوار را به خود اختصاص می‌دهد. علاوه بر جنبه اقتصادی مسکن که مقداری از درآمد ماهیانه خانوار را به خود اختصاص می‌دهد، بسیاری از نتایج روانی و اجتماعی نیز از مسکن

تهویه ناقص و تاریک زندگی می‌کنند. لذا برای تحلیل مسائل کمی و کیفی مسکن از ابزاری استفاده می‌گردد که به صورت متغیرهایی به نام شاخص‌های مسکن مطرح می‌باشند و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند. بنابراین شاخص‌های مسکن ابزار مناسبی جهت سنجش معیارها و ضوابط سیاست‌های مسکن است. به عبارتی شاخص‌های مسکن به عنوان شالوده اصلی یک برنامه جامع و ابزاری ضروری برای بیان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی مسکن از جایگاه ویژه‌ای در امر برنامه‌ریزی مسکن برخوردار هستند (قرخلو و اکبرپورسراسکانرود، ۱۳۸۶: ۲۶).

مسکن در روستاها علاوه بر محل سکونت در برگیرنده فعالیت‌های اقتصادی خانوار روستایی و محل ذخیره محصولات کشاورزی آنان نیز است. مهم‌ترین عملکردهای مسکن در روستاها شامل مسکونی، دامی، معیشتی و جنبی است. عملکرد مسکونی در فضاهای محل زیست، استراحت و خواب ساکنان خانه یا فضاهایی که بطور غیر مستقیم به آن‌ها مربوط است، ایفا می‌شود. عملکرد دامی در مسکن روستایی در فضاهای نگهداری و تیمار احشام و حیوانات اهلی نظیر آغل، طویله، بهار بند و ... تبلور می‌یابد. عملکردهای جنبی مسکن نیز در فضاهایی نظیر پستوها، انبارها، هیزم دان و ... جریان دارد و خدمات لازم را در اختیار سایر عملکردهای مسکونی و دامی قرار می‌دهند. عملکرد معیشتی نیز در فضاهایی انجام می‌شود که به فعالیت مرتبط با اقتصاد خانوار و کمک به آن اختصاص دارند. کارگاه‌ها، مغازه‌ها و محل فعالیت‌های دستی جزو این گروه هستند (علی‌الحسابی، ۱۳۷۲: ۱۲). این عملکردها با گسترش شهرنشینی در کشور و ترویج الگوهای زندگی شهری در روستاها در دهه‌های اخیر به تدریج با تغییراتی

و سکونتگاه افراد ناشی می‌شود، به طوری که مسکن و سکونتگاه مناسب باعث احساس امنیت و آرامش روان در افراد خواهد شد و نیز موجب دگرگونی‌های اساسی در زمینه روابط اجتماعی و غیره می‌گردد (ملکی، ۱۳۹۰، ۳۳). باتوجه به اینکه مسکن و سکونتگاه‌ها (روستایی و شهری)، به خصوص در کشورهای جهان سوم، دارای ابعاد گوناگون و پیچیده‌ای می‌باشند، لذا به هیچ وجه فقط به ابعاد معماری و یا اینکه در مناطق روستایی و شهری است محدود نمی‌شود (اعتماد، ۱۳۶۹، ۳۵). بلکه لازم است جهت ارائه یک تعریف جامع و کامل از مسکن و شاخص‌های ارزیابی آن (شاخص‌های کمی و کیفی)، که قادر به پاسخگویی به طیف وسیعی از نیازهای انسان باشد، برخورد منظم و همه جانبه صورت پذیرد.

مسکن در روستا متناسب با شرایط محیطی، اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی دارای تشابهات و تفاوت‌هایی با مسکن در شهرهاست. اهمیت مسکن در روستاها ناشی از پاسخگویی آن به نیازهای اصلی زیستی و اقتصادی جامعه روستایی است. مسکن در جامعه روستایی علاوه بر آنکه مأوایی مطمئن برای سکونت است، بخشی از فضای ضروری برای فعالیت اقتصادی در زمینه کشاورزی و دامداری نیز محسوب می‌شود. انبار محصولات کشاورزی و فضای نگهداری دام بخشی از واحدهای مسکونی در روستاهاست که تفاوت قابل توجهی با مساکن شهری دارد. نیاز انسان‌ها به مسکن مناسب که فضای کافی برای رفع نیازها مختلف زیست و فعالیت‌های ضروری وی را فراهم کند و آسایش و آرامش ساکنان را تأمین کند، در همه جوامع روستایی و شهری تا حدود زیادی یکسان است (بدری و موسوی، ۱۳۸۹: ۴).

متأسفانه اغلب روستائیان ایران، به ویژه مناطق روستایی استان ایلام، در مساکن کوچک و با وسایل

همراه بوده‌اند. به گونه‌ای که عملکردهای دامی در واحدهای مسکونی روستایی کاهش یافته و استقلال فضایی این عملکرد با عملکرد مسکونی و معیشتی با هدف افزایش بهداشت در حال افزایش است.

مسکن (خانه) روستایی همانند هر پدیده دیگر توسعه‌ای از پیچیدگی برخوردار است و این پیچیدگی به لحاظ چند بعدی بودن آن است، چرا که مسکن روستایی را می‌توان از ابعاد مختلف اقتصادی (نوعی کالا)، اجتماعی (نوعی نهاد)، کالبدی (نوعی بنا، ساختمان)، فرهنگی (نوعی فرهنگ) و هنری (نوعی نماد) بررسی کرد و یا از دیدگاه‌های مختلف تاریخی (نوعی سکونت و فرهنگ و تمدن) از دیدگاه جغرافیایی و برنامه‌ریزی (نوعی فضا) از دیدگاه جامعه‌شناسی (نوعی نهاد) و از دیدگاه مهندسی و معماری (نوعی بنا و ساختمان) به آن توجه کرد. با این توصیف درک خانه و مسکن روستایی و جایگاه آن در نظام برنامه‌ریزی فضایی و سکونتگاهی با رویکرد پایداری، شیوه همه جانبه نگر و کل نگر را می‌طلبد. به تعبیر دیگر تمام وجوه نمادین، نهادین، مادی و زیبایی شناختی و فضا شناختی و ... ابعاد مسکن روستایی هستند که موضوع آن را به یک مقوله میان رشته‌ای و فرا رشته‌ای تبدیل می‌کند. چرا که مسکن روستایی تنها برای تأمین نیازهای زیستی و پناهگاهی نیست و متناسب با نوع فرهنگ و تمدن و ساختارها، تحولاتی را دربر داشته است. یعنی مسکن روستایی در مراحل مختلف تاریخی متناسب با نوع ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و محیطی اشکال گوناگون داشته است. بنابراین مسکن روستایی دارای رنگ تاریخ، جغرافیا، فلسفه، دین، هنر زیباشناختی، معماری، طبیعت گرایی و ... فرهنگ است (مسائلی، ۱۳۸۶: ۳۵).

تحلیل مسائل کمی و کیفی مسکن با استفاده از ابزاری صورت می‌گیرد که به صورت متغیرهایی به نام

شاخص‌های مسکن مطرح بوده و بیانگر ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی مسکن هستند (عزیزی، ۱۳۸۴: ۲۶) با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان وضعیت حاکم بر نظام مسکن را ارزیابی نمود و مقیاس واقعیات و رخدادهایی که در این زمینه وجود دارند از نظر عینی بررسی کرد. شاخص‌های مسکن به چهار گروه عمده تقسیم می‌شوند (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۶۰).

شاخص‌های اجتماعی: نوع واحدهای مسکونی

(آپارتمانی و معمولی)، میزان برخورداری واحدهای مسکونی از اسناد مالکیت؛ مدت زمان بهره‌برداری از واحدهای مسکونی؛ نسبت واحدهای مسکونی خالی؛ میزان برخورداری واحدهای مسکونی از فضاهای معیشتی و فضاهای مشترک زیستی و معیشتی؛ نوع سوخت مصرفی برای پخت و پز؛ نوع سوخت مصرفی برای گرمایش؛ میزان برخورداری از امکانات خدماتی، بهداشتی و درمانی، آموزشی و فرهنگی و خدماتی و بازرگانی، نحوه تصرف واحد مسکونی و تعداد خانوار در واحدهای مسکونی.

شاخص‌های اقتصادی: طول دوره ساخت

واحدهای مسکونی، متوسط قیمت احداث یک متر مربع بنای مسکونی، نحوه تأمین نیروی انسانی ماهر مورد نیاز برای احداث مسکن و وجود نهادهای مالی برای تأمین مسکن.

شاخص‌های کالبدی: سطح زیربنای واحدهای

مسکونی، مساحت زمین واحد مسکونی؛ مساحت فضاهای زیستی و معیشتی، تعداد اتاق موجود در واحدهای مسکونی، دوام مصالح، عمر بنا و نسبت سطح اشغال و ...

شاخص‌های جمعیتی: شاخص‌های اصلی جمعیتی

مسکن که به طور مستقیم و یا غیر مستقیم بر فضای مورد

مطالعه‌ای به تحلیل وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه پرداخت که نتایج آن مطالعه نشان داد، ۴۳/۸ درصد مسکن روستایی استان کرمانشاه از نظر سازه‌ای بادوام، ۳۳/۹ درصد کم دوام و ۲۲/۲ درصد دیگر بی‌دوامند بنابراین به‌منظور پیشگیری از بلایای طبیعی و بهبود وضع مسکن روستایی ضرورت اجرای طرح جامع مسکن روستایی که تدوین گردیده، باید مورد توجه قرار گیرد.

ملکی (۱۳۹۰) در مطالعه‌ای به بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان اهواز پرداخت. نتایج بررسی و مقایسه شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان اهواز طی سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۸۵ نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های اجتماعی کمی مسکن (تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق و تراکم نفر در واحد مسکونی) در وضعیت مناسب و بهینه قرار ندارند. لیکن از نظر شاخص‌های اجتماعی کیفی (میانگین سطح زیربنای واحدهای مسکونی و دوام مصالح)، مالکیت و نحوه تصرف و امکانات زیرساختی و خدمات اساسی واحدهای مسکونی روند روبه رشد (بهبودی) نسبی داشته‌اند. همچنین بصیری پارسا (۱۳۸۸) در مطالعه‌ای با استفاده از مدل SWOT به تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن روستایی در استان همدان پرداخت. نتایج این مطالعه نشان داد که ۵ نقطه قوت در مقابل ۶ نقطه ضعف وجود دارد که غلبه نقاط ضعف را در مسکن روستایی در مقابل نقاط قوت آن نشان می‌دهد. از طرفی ۲ فرصت در مقابل ۱ تهدید قرار دارد که این مسئله ناشی از توجه دولت و اجرای برنامه‌های عمران روستایی در کشور می‌باشد. حیدری (۱۳۹۰) در مطالعه خود به بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی استان کهگیلویه و

نیاز افراد و خدمات سکونتی مؤثر است را می‌توان در دو گروه جداگانه ولی درعین حال متصل با هم مورد بررسی قرار داد. این دو عبارتند از: الف) شاخص‌های کمی واحد مسکونی ب) شاخص‌های کیفی واحد مسکونی. شاخص‌های کمی عمدتاً به بیان انواع تراکم در واحد مسکونی و خصوصیات کیفی به بررسی مصالح ساخت بنا، مالکیت واحدهای مسکونی، قدمت و عمر ساختمان و تسهیلات موجود در واحد مسکونی می‌پردازد. خصوصیات کیفی که یک واحد مسکونی را برای زیست خانوار و انجام فعل و انفعالات زندگی خانوادگی مطلوب می‌سازد، ویژگی‌های کیفی یک واحد است مانند بعد خانوار، رشد سالانه خانوار، تعداد نفر در اتاق و... نقش شاخص‌های جمعیتی مسکن نقش غیرقابل انکاری در تحلیل ساختار مسکن می‌باشد (ستارزاده، ۱۳۸۸: ۶۱). به‌طور کلی در میان مطالعاتی که به‌صورت تخصصی به بررسی مسکن روستایی و شاخص‌های مربوط به آن پرداخته و همچنین در پی تبیین شاخص‌های مختص مسکن روستایی باشد، مواردی به‌صورت معدود وجود دارد که در ادامه به‌صورت موردی به مهم‌ترین مطالعات در این زمینه پرداخته شده است.

در زمینه مسکن روستایی، سرتیپی پور (۱۳۸۷) در پژوهشی نشان داد تقریباً همه استان‌هایی که در مرکز جغرافیایی کشور قرار دارند از حیث شاخص‌های مسکن روستایی در وضعیت نسبتاً مناسبی قرار دارند و بیشتر استان‌هایی که در بُعد مسکن روستایی وضعیت مناسبی ندارند، در مرزها قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر وضعیت مسکن روستایی کشور مشابه یک هرم بوده که استان‌های مرکزی در راس هرم قرار دارند و هر چه به سمت استان‌های مرزی (شرقی و غربی) کشور در اطراف حرکت شود، کیفیت مسکن روستایی وضعیت نامطلوب‌تری دارد. همچنین، بهرامی (۱۳۹۰) در

بویراحمده پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که هنوز هم تفاوت‌های معناداری بین کیفیت زندگی نقاط روستایی و شهری وجود دارد و شرایط به نفع جوامع شهری می‌باشد. همچنین با وجود اقدامات فراوانی که برای توسعه روستایی در مناطق مختلف صورت گرفته، هنوز تفاوت‌های محسوسی بین کیفیت زندگی مناطق روستایی و شهری مشاهده می‌شود. همچنین صیدایی و همکاران (۱۳۸۹) در مطالعه‌ای به بررسی فضایی وضعیت مسکن روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد پرداختند. در این مطالعه با استفاده از روش آماری تحلیل خوشه‌ای شهرستان‌های استان مورد مطالعه در سه خوشه سطح‌بندی شد. نتایج دیگر این مطالعه نشان داد که بخش مرکزی بویراحمد به تنهایی در یک سطح، بخش‌های پاتاوه، مرکزی گچساران و مرکزی کهگیلویه در سطح دیگر و سایر بخش‌های استان در سطح سوم قرار دارند.

محدوده مورد مطالعه

استان ایلام با وسعتی معادل ۱۹۰۸۶ کیلومتر مربع در غرب ایران و در مختصات جغرافیایی ۴۵ درجه و ۲۴ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۱۰ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۱ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۱۵ دقیقه عرض شمالی از خط استوا و در همسایگی استان‌های لرستان، کرمانشاه و خوزستان قرار گرفته است و از سمت غرب ۴۲۵ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد. به‌طور کلی قسمت شمال و شمال‌شرقی استان، مناطق کوهستانی هستند که دنباله رشته کوه زاگرس است که در تقسیم‌بندی ناهمواری‌های ایران، این ارتفاعات جزو زاگرس شمال غربی به حساب می‌آیند.

بر اساس آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۸۵ این استان دارای جمعیتی بالغ بر ۵۴۵۷۸۷ نفر بوده که در ۷ شهرستان، ۱۹ بخش، ۱۹ شهر، ۳۹ دهستان و ۷۵۰

روستای دارای سکنه استان توزیع شده‌اند. از این جمعیت ۳۳۱۲۳۱ نفر (۶۰/۶۹ درصد) در نواحی شهری و ۲۱۰۷۰۳ نفر (۳۸/۶۱ درصد) در نواحی روستایی زندگی می‌کنند (آمارنامه استان ایلام، ۱۳۸۵: ۲۱ و ۲۴). "ت" موقعیت استان ایلام به تفکیک شهرستان‌ها را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است. به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات و داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده و اطلاعات مورد نیاز از نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۸۵ مربوط به استان ایلام استخراج شده است. از روش تبیینی و توصیفی برای تحلیل شرایط مسکن از دو بعد کمی و کیفی استفاده شده است. متغیرهای اصلی پژوهش شامل ۲۲ شاخص اصلی (با بهره‌گیری از اصول آماری شاخص‌سازی و داده‌پردازی ۲۲ شاخص نهایی، ترکیب و استنتاج گردید) از ۵۲ شاخص مسکن روستایی می‌باشند که برای تحلیل مسکن روستایی در استان ایلام و تعیین سطح برخورداری شهرستان‌های این استان از لحاظ شاخص‌های مورد بررسی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های تحلیل عاملی و خوشه‌ای با نرم‌افزارهای SPSS و Excel استفاده شده است. با استفاده از روش تحلیل عاملی، مهم‌ترین عوامل مؤثر در وضعیت مسکن روستایی تعیین و سپس با استفاده از روش تحلیل خوشه‌ای، مناطق روستایی شهرستان استان به گروه‌های همگن طبقه‌بندی شده‌اند.

شاخص‌های پژوهش

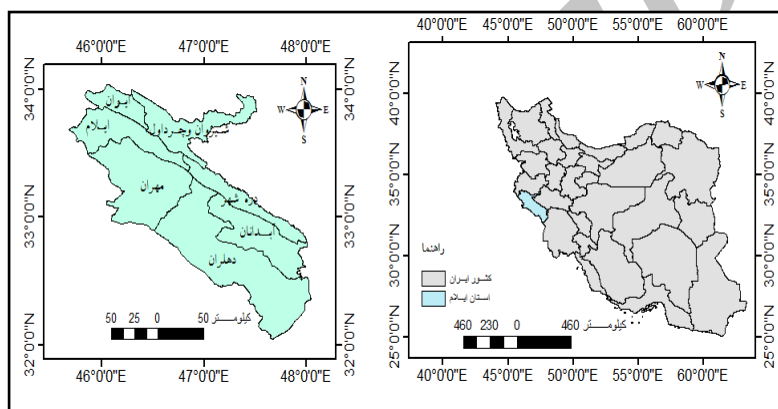
در تحقیق حاضر برای رتبه‌بندی و خوشه‌بندی شهرستان‌های استان ایلام از ۲۲ شاخص برای ۷

یافته‌های پژوهش

تشکیل ماتریس داده‌ها

مبتکر نظریه ماتریس در ریاضیات آرتور کیلی^۱ ریاضی‌دان اسکاتلندی است. مرتبه ماتریس به صورت $m.n$ می‌باشد که در آن m معرف ردیف و n معرف ستون است. ماتریس جدولی مستطیل شکل است که عناصر آن گروهی از اعداد یا اشیاء بوده که با آرایش سطری (ردیفی) و ستونی (عمودی) قرار دارند (عبادی و ریاضی، ۱۳۸۹، ۴۷).

شهرستان استفاده شده است. با توجه به این که در روش تحلیل عاملی شاخص‌هایی که به همدیگر همبستگی دارند در یک عامل خلاصه می‌شوند؛ بنابراین، اگر برخی از شاخص‌های انتخابی با یکدیگر همبستگی بالایی داشته باشند، جای هیچ گونه نگرانی نیست. شاخص‌های مذکور با توجه به امکانات اطلاعاتی و آمارهای موجود و قابل دسترس از بخش‌های مختلف مسکن (از لحاظ کمی و کیفی) با توجه به مطالعات تجربی دیگر محققان انتخاب شده است که شاخص‌های مورد نظر در "ج ۱" نشان داده شده است.



ت ۱. موقعیت جغرافیایی شهرستان‌های استان ایلام نسبت به استان و کشور.

ردیف	شاخص‌ها	ردیف	شاخص‌ها
۱	جمعیت نواحی روستایی	۱۲	متوسط عمر زیربنا
۲	تعداد خانوار	۱۳	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل برق
۳	بعد خانوار	۱۴	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل تلفن
۴	تعداد واحدهای مسکونی	۱۵	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل آب لوله کشی
۵	تراکم خانوار در واحدهای مسکونی	۱۶	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل گاز لوله کشی
۶	تراکم نفر در واحدهای مسکونی	۱۷	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل دستگاه حرارت و برودت مرکزی
۷	کمبود مسکن	۱۸	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل آشپزخانه
۸	متوسط تعداد اتاق در اختیار خانوار	۱۹	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل حمام
۹	متوسط تعداد اتاق به ازای عضو خانوار	۲۰	سهم واحدهای مسکونی از مصالح بادوام
۱۰	سهم خانوارهای مالک به درصد	۲۱	سهم واحدهای مسکونی از مصالح نیمه بادوام
۱۱	سهم خانوارهای مستاجر به درصد	۲۲	سهم واحدهای مسکونی از مصالح کم دوام

ج ۱. معرفی شاخص‌های پژوهش در مناطق روستایی استان ایلام.

شهرستان	جمعیت کل	جمعیت مناطق روستایی	تعداد خانوار روستایی	میانگین تعداد افراد خانوار روستایی ساکن	تعداد آبادی‌های دارای سکنه	آب لوله‌کشی (درصد)	برق (درصد)	تلفن (درصد)	درصد خانوارهای مالک
کل استان	۵۴۵۷۸۷	۲۱۰۷۰۳ (۳۸/۶۱)	۱۱۱۵۵۹	۵/۱۷	۷۵۰	۸۹/۴۷	۹۸/۳۷	۶۶/۹۰	۸۴/۸۸
ایوان	۴۷۹۵۸	۱۷۱۴۹ (۳۵/۷۶)	۳۴۳۷	۴/۹۹	۷۲	۹۷/۳۶	۹۹/۰۳	۷۹/۹۱	۸۷/۳۴
ایلام	۱۹۹۵۱۹	۳۳۳۰۳ (۱۶/۶۹)	۶۶۰۷	۵/۰۴	۹۸	۹۴/۲۵	۹۹/۱۶	۷۸/۴۶	۸۰/۱۶
آبدانان	۴۷۳۷۰	۲۰۸۱۲ (۴۳/۹۳)	۴۰۵۶	۵/۱۲	۶۳	۹۰/۰۹	۹۷/۵۵	۷۳/۴۶	۸۰/۶۱
چرداول	۷۳۹۷۳	۵۴۹۰۵ (۷۴/۲۲)	۱۱۱۵۹	۴/۹۲	۲۰۶	۸۴/۵۲	۹۰/۳۲	۵۸/۹۷	۸۸/۹۹
مهران	۵۷۸۸۹	۲۶۵۳۵ (۴۵/۸۴)	۴۸۶۴	۵/۴۶	۸۴	۹۰/۵۶	۹۸/۸۱	۶۱/۳۶	۸۰/۹۰
دهلران	۶۲۲۵۶	۲۳۴۵۹ (۳۷/۶۸)	۳۸۵۳	۶/۰۹	۱۲۳	۷۸/۷۸	۹۸/۶۶	۵۳/۴۰	۸۸/۵۷
دره‌شهر	۵۶۸۲۲	۳۴۵۴۰ (۶۰/۷۹)	۶۸۷۲	۵/۰۹	۱۰۴	۹۳/۸۴	۹۹/۰۴	۶۹/۴۳	۸۴/۳۰

ج ۲. ویژگی‌های مناطق روستایی شهرستان‌های* استان ایلام از نظر تعدادی از شاخص‌های مورد بررسی .
 * شهرستان ملکشاهی به دلیل اینکه به تازگی از شهرستان مهران جدا شده است بنابراین، آمار این شهرستان فعلاً موجود نبوده و در این مطالعه جزو شهرستان مهران محسوب شده است.

آزمون کرویت بارتلت فرض مرتبط بودن داده‌ها را آزمون می‌کند که مقدار بارتلت نیز برابر با ۵۹۱/۹۵۴ به دست آمد که در سطح ۱٪ معنادار بود. بنابراین در کل، داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب بودند. "ج ۳" متغیرهای پژوهش و چگونگی همبستگی متغیرها با یکدیگر به ترتیب اشتراک اولیه (Initial) و اشتراک استخراجی (Extraction) را نشان می‌دهد. اشتراک یک متغیر برابر مربع همبستگی چندگانه برای متغیرهای مربوطه با استفاده از عامل‌ها (به‌عنوان پیش بینی کننده) است. به دلیل این که ستون اشتراک اولیه، اشتراک‌ها را قبل از استخراج عامل (یا عامل‌ها) بیان می‌کند، تمامی اشتراک‌های اولیه برابر ۱ است.

در تحقیق حاضر ماتریس داده‌ها، دارای ۲۱ ستون شامل شاخص‌های مسکن، و ۷ ردیف شامل مناطق روستایی شهرستان‌های استان ایلام می‌باشد. با توجه به اهداف پژوهش، با بهره‌گیری از نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استان ایلام در مرحله اول از میان ۵۲ متغیر موجود مربوط به مسکن، ۲۱ شاخص نشان داده شده در "ج ۳" استخراج شد. قبل از اجرای دستور تحلیل عاملی، مناسب بودن مجموعه داده‌ها برای این تحلیل از طریق آزمون BTS^۱ و KOM^۲ و مورد ارزیابی قرار گرفت. مقدار KMO^۳ به دست آمده برابر ۰/۸۱۵ است که رضایت‌بخش بودن شاخص‌های انتخابی جهت استفاده از تکنیک تحلیل عاملی را نشان می‌دهد.

در مرحله بعدی در تحلیل عاملی، تعیین مقادیر است که در "ج" ۴ آمده است:
 - مقادیر ویژه^۳: الف) مقادیر ویژه عوامل استخراجی بدون چرخش^۴ و ب) مقادیر ویژه عوامل استخراجی با چرخش^۵.

هرچه مقادیر اشتراک استخراجی بزرگ‌تر باشد، عامل‌های استخراج شده، متغیرها را بهتر نمایش می‌دهند. همان‌گونه که در "ج" ۳ مشخص شده اشتراک استخراجی تمام متغیرها بالاتر از ۰/۵ است.

شاخص	اشتراک اولیه	استخراجی اشتراک
تعداد خانوار	۱/۰۰۰	۰/۶۸۹
بعد خانوار	۱/۰۰۰	۰/۸۵۱
تعداد واحد های مسکونی	۱/۰۰۰	۰/۷۳
تراکم خانوار در واحد مسکونی	۱/۰۰۰	۰/۶۹۶
تراکم نفر در واحد مسکونی	۱/۰۰۰	۰/۷۱۷
متوسط تعداد اتاق در اختیار خانوار	۱/۰۰۰	۰/۷۲۶
متوسط تعداد اتاق به ازاء عضو خانوار	۱/۰۰۰	۰/۶۴۱
سهم خانوارهای مالک به درصد	۱/۰۰۰	۰/۷۴۴
سهم خانوارهای مستاجر به درصد	۱/۰۰۰	۰/۸۲۷
متوسط عمر زیربنا	۱/۰۰۰	۰/۸۲۱
سهم خانوار های برخوردار از حداقل برق	۱/۰۰۰	۰/۷۳۰
سهم خانوارها برخوردار از تلفن	۱/۰۰۰	۰/۷۱۸
سهم خانوارهای برخوردار از حداقل آب لوله کشی	۱/۰۰۰	۰/۸۴۶
سهم خانوارهای برخوردار از حداقل گاز لوله کشی	۱/۰۰۰	۰/۷۴۳
سهم خانوارهای برخوردار از حداقل آشپزخانه	۱/۰۰۰	۰/۷۲۳
سهم خانوارهای برخوردار از حمام	۱/۰۰۰	۰/۸۰۷
سهم واحدهای مسکونی از مصالح بادوام	۱/۰۰۰	۰/۷۲۸

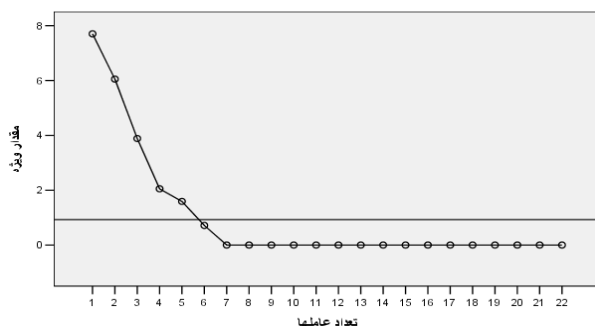
ج ۳. همبستگی بین متغیرها.

ردیف	ویژه مقادیر			بدون چرخش استخراجی عوامل ویژه مقادیر			چرخش با استخراجی عوامل ویژه مقادیر		
	مجموع	واریانس (درصد)	تجمعی (درصد)	مجموع	واریانس (درصد)	تجمعی (درصد)	مجموع	واریانس (درصد)	تجمعی (درصد)
۱	۸/۵۹۱	۳۴/۳۶۵	۳۴/۳۶۵	۸/۵۹۱	۳۴/۳۶۵	۳۴/۳۶۵	۶/۳۵۲	۲۵/۴۰۶	۲۵/۴۰۶
۲	۶/۵۲۸	۲۶/۱۱۲	۶۰/۴۷۷	۶/۵۲۸	۲۶/۱۱۲	۶۰/۴۷۷	۵/۸۶۷	۲۳/۴۶۷	۴۸/۸۷۳
۳	۵/۰۹۶	۲۰/۳۸۵	۸۰/۸۶۲	۵/۰۹۶	۲۰/۳۸۵	۸۰/۸۶۲	۵/۳۳۱	۲۱/۳۲۵	۷۰/۱۹۸
۴	۲/۳۲۵	۹/۲۹۸	۹۰/۱۶۱	۲/۳۲۵	۹/۲۹۸	۹۰/۱۶۱	۳/۷۳۹	۱۴/۹۵۸	۸۵/۱۵۶
۵	۱/۸۶۲	۷/۴۴۸	۹۷/۶۰۹	۱/۸۶۲	۷/۴۴۸	۹۷/۶۰۹	۳/۱۱۳	۱۲/۴۵۳	۹۷/۶۰۹

ج ۴. عامل‌های استخراج شده، مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس آن‌ها از مجموعه شاخص‌ها.

این پنج عامل اصلی و دیگر عامل‌های باقیمانده را در "ن" به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

معیار تست پایداری برای تعیین تعداد عامل ها



۱. نمایش گرافیکی ارزش ویژه هر یک از عامل‌های استخراج شده.

دوران عاملها

یکی از مفاهیم مهم در روش تحلیل عاملی، چرخش عامل‌هاست. در بسیاری از موارد، عامل‌های اولیه چرخش نیافته مناسب نیستند. در این موارد چرخش عامل‌ها می‌تواند از ورود برخی از متغیرها در چندین عامل مختلف جلوگیری کرده، ساختار عاملی مناسب و قابل تفسیرتری ارائه دهد. بنابراین دلیل اصلی چرخش عامل‌ها دستیابی به ماتریس عاملی ساده و از نظر تئوری معنادار و قابل تفسیر است (مؤمنی، ۱۳۸۶، ۲۰۲). عامل‌ها در تحلیل عاملی از روی یک مجموعه متغیر به دست می‌آید که هدف از استخراج آن‌ها نیز بیشینه نمودن مقدار واریانس است که از مجموعه اولیه تبیین می‌کنند.

شایان ذکر است، در این مطالعه (در پژوهش‌هایی که از روش تحلیل عاملی استفاده می‌شود) برای حداکثر ساختن روابط بین متغیرها و برخی عامل‌ها، عامل‌ها را حول محور خود دوران می‌دهند. دوران عامل‌ها (کلاین،

عمل استخراج عامل‌ها با استفاده از محتویات ماتریس همبستگی بین شاخص‌ها به دست می‌آید. با استفاده از ماتریس عاملی، عوامل مشترک^۶ هر یک از شاخص‌ها به دست می‌آید. جهت مشخص کردن معنادار بودن عوامل انتخاب شده در این روش، از معیار مقدار ویژه استفاده می‌گردد. در تحلیل مؤلفه‌های اصلی تنها عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها بیشتر از یک باشد به عنوان عامل‌های معنادار در نظر گرفته شده و کلیه عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها کمتر از یک است از تحلیل کنار گذاشته می‌شوند (کلانتری، ۱۳۸۷: ۳۰۴).

در "ج ۴" پنج عامل دارای مقدار ویژه بزرگ‌تر از ۱ هستند و در تحلیل باقی می‌مانند. این پنج عامل می‌توانند تقریباً ۹۷/۶۰ درصد از تغییرپذیری (واریانس) متغیرها را توضیح دهند (در تحقیقات غیر علوم انسانی، فرایند استخراج عوامل باید تا زمانی ادامه یابد که این عامل‌ها بتوانند حداقل ۹۵ درصد واریانس داده‌ها را تبیین نمایند (کلانتری، ۱۳۸۷: ۳۰۵)). همان گونه که مشاهده می‌شود، در روش چرخش عوامل نیز درصد تجمعی توضیح تغییرات ۹۷/۶۰ درصد است. همان‌طور که گفته شد همه این پنج عامل از مقادیر ویژه بزرگ‌تر از یک برخوردارند، ولی اهمیت همه آن‌ها برابر و به یک اندازه نیست. به‌طور مثال اهمیت و نقش عامل اول بیش از دو برابر عامل پنجم است.

در این تحلیل مهم‌ترین عامل، عامل شماره ۱ می‌باشد که این عامل به تنهایی ۲۵/۴۰۵ درصد از واریانس را تشکیل می‌دهد. عوامل دوم تا پنجم به ترتیب مقادیر ۲۳/۴۶۷، ۲۱/۳۲۵، ۱۴/۹۵۸ و ۱۲/۴۵۳ درصد از واریانس را تشکیل می‌دهند. به دلیل اینکه مقدار ویژه مؤلفه‌های بعدی کمتر از ۱ است معنادار نبوده و قابل استفاده در تحلیل‌های بعدی نمی‌باشند. نمایش مقدار ویژه

نامگذاری عامل‌ها

در مرحله بعد ماتریس عاملی دوران یافته را با توجه به انجام تحلیل عاملی روی شاخص‌های مورد بررسی، پنج عامل به‌عنوان عامل‌های اصلی شناسایی شد که این پنج عامل و شاخص‌ها ("ج" ۶) عبارتند از:

عامل اول: همان‌طور که در "ج" ۶ نشان داده شده است مقدار ویژه این عامل ۶/۳۵۲ می‌باشد که به تنهایی ۲۵/۴۰۶ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد و بیشترین تأثیر را در بین پنج عامل مؤثر دارد. این عامل با متغیرهای نسبت تراکم نفر در واحد مسکونی، برخورداری از تلفن، سهم خانوارهای برخوردار از برق، آب لوله کشی و متوسط بُعد خانوار دارای همبستگی مثبت و بالایی است. از این رو این عامل را می‌توان عامل "رفاهی" نامید.

عامل دوم: مقدار ویژه این عامل ۵/۸۶۷ می‌باشد که ۲۳/۴۶۷ درصد از واریانس را در برمی‌گیرد. متغیرهایی که در این عامل بارگذاری شده‌اند عبارتند از: کمبود مسکن، سهم واحدهای مسکونی از مصالح بی‌دوام، سهم واحدهای مسکونی از مصالح بادوام و متوسط عمر بنا. از این رو این عامل را می‌توان عامل "استحکام" نامگذاری نمود.

عامل سوم: مقدار ویژه این عامل ۵/۳۳۱ می‌باشد که ۲۱/۳۲۵ درصد از واریانس را در بر می‌گیرد. این عامل با ۴ شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی، متوسط تعداد اتاق در اختیار خانوار و سهم واحدهای مسکونی از مصالح کم‌دوام (متوسط) دارای همبستگی می‌باشد و با توجه به شاخص‌های ذکر شده این عامل را می‌توان عامل "زیربنایی" نامگذاری نمود.

۱۳۸۱: ۶۹) به دو روش ۱. دوران متعامد (مستقل) و ۲. دوران متمایل انجام می‌گیرد. در مرحله دوران ضمن انجام یک چرخش (Rotation) در محور ماتریس از مناسبترین روش چرخش؛ یعنی وریمکس (Varimax) استفاده شده است. این روش، یک روش حرکت وضعی است؛ به گونه‌ای که استقلال در میان عامل‌های ریاضی را حفظ می‌نماید. همچنین این روش جمع واریانس عناصر در ماتریس بارهای عاملی را ماکزیمم می‌کند که به همین دلیل به آن نام واریماکس داده شده است (فرشادفر، ۱۳۸۴: ۱۱۳). حاصل عمل چرخش، ماتریسی از عوامل دوران یافته است که در آن برای هر عامل، وزن متغیرهای مختلف مشخص بوده که بر اساس آن هر عامل به متغیرهای خاص مرتبط می‌شود. بعد از دوران عامل‌ها، درصد واریانسی که توسط هر عامل تعیین می‌گردد تغییر می‌کند، اما درصد تجمعی کل واریانس ثابت می‌ماند. "ج" ۵ مقادیر عامل‌های استخراجی برای هر یک از متغیرها را بعد از عمل دوران نشان می‌دهد.

در ماتریس عاملی ("ج" ۵)، هرستون معرف یک عامل است. مقادیر موجود در هر ستون نشان‌دهنده بارهای عاملی هر متغیر بر یک عامل می‌باشد. همچنین متغیرهای مورد بررسی در ستون اول از بالا به پایین لیست شده‌اند. برای تفسیر این جدول، باید از اولین متغیر شروع و مقادیر مربوط به آن را در عامل‌های مختلف مورد بررسی قرار داد و هر جا که بیشترین مقدار قدر مطلق بار عاملی وجود داشت و از نظر آماری نیز معنادار باشد، مشخص می‌شود که آن متغیر بر آن عامل بار شده است. همان‌طور که در "ج" ۵ مشاهده می‌شود متغیرهایی مورد تحقیق و عامل‌های بار شده توسط هر یک از متغیرها نشان داده شده است (متغیرهایی که با کشیدن خط بر زیر آن‌ها مشخص شده‌اند).

عامل چهارم: مقدار ویژه این عامل ۳/۷۳۹ می باشد که ۱۴/۹۵۸ درصد از واریانس را در بر می گیرد. شاخص های که در عامل چهارم بار گذاری شده اند عبارتند از: سهم خانوارهای برخوردار از آشپزخانه، لوله کشی گاز، حمام و سهم خانوارهای برخوردار از حداقل سردکننده و گرم کننده مرکزی، که با توجه به ماهیت این شاخص ها می توان این عامل را عامل "تاسیسات" نامگذاری نمود.

عامل پنجم: مقدار ویژه این عامل ۳/۱۱۳ می باشد که ۱۲/۴۵۳ درصد از واریانس را در بر می گیرد. این عامل با شاخص های تعداد واحدهای مسکونی، تعداد خانوار، سهم خانوارهای مستاجر، متوسط تعداد اتاق به ازای هر عضو خانوار و سهم خانوارهای مالک به درصد دارای همبستگی می باشد و بر این اساس این عامل را می توان عامل "مالکیت" نامگذاری نمود.

عاملها					شاخص های اولیه
۵	۴	۳	۲	۱	
۰/۲۳۰	۰/۰۴۴	۰/۰۲۴	-۰/۰۷۳	-۰/۰۰۳	تعداد خانوار
۰/۰۰۵	۰/۱۰۰	-۰/۰۲۲	۰/۱۱۶	۰/۱۹۷	بعد خانوار
۰/۲۵۸	۰/۰۴۳	۰/۰۱۵	-۰/۰۵۱	-۰/۰۰۷	تعداد واحدهای مسکونی
-۰/۰۷۷	-۰/۰۱۸	۰/۱۲۳	-۰/۱۸۹	۰/۰۶۵	تراکم خانوار در واحد مسکونی
-۰/۰۵۹	۰/۰۸۸	۰/۰۴۹	۰/۰۰۰	۰/۱۸۳	تراکم نفر در واحد مسکونی
-۰/۰۲۴	۰/۰۴۲	۰/۰۷۳	-۰/۲۰۵	۰/۰۲۷	کمبود مسکن (درصد)
۰/۰۳۴	۰/۴۴۴	۰/۰۹۲	۰/۰۷۸	۰/۰۹۴	متوسط تعداد اتاق در اختیار خانوار
۰/۵۲۹	-۰/۰۷۷	۰/۰۰۷	۰/۱۲۴	۰/۰۴۸	متوسط تعداد اتاق به ازاء هر عضو خانوار
-۰/۱۵۹	۰/۲۰۵	-۰/۱۲۱	-۰/۰۴۳	۰/۰۶۴	سهم خانوارهای مالک به درصد
۰/۱۳۵	۰/۰۵۶	۰/۱۲۵	۰/۰۲۶	۰/۰۰۶	سهم خانوارهای مستاجر به درصد
۰/۱۵۸	۰/۰۲۱	-۰/۰۱۰	۰/۱۸۵	-۰/۰۸۲	متوسط عمر زیربنا
-۰/۰۰۷	۰/۰۱۸	۰/۰۳۹	۰/۱۰۸	۰/۱۲۳	سهم خانوار های برخوردار از حداقل برق
-۰/۰۴۷	-۰/۰۸۱	۰/۰۰۸	۰/۰۳۳	-۰/۱۸۳	سهم خانوارهای برخوردار از تلفن
-۰/۱۰۰	-۰/۰۱۰	۰/۰۹۱	-۰/۰۱۳	-۰/۱۶۹	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل آب لوله کشی
۰/۰۱۸	-۰/۲۰۰	۰/۱۲۵	-۰/۰۵۰	۰/۰۰۱	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل سردکننده و گرم کننده مرکزی
۰/۰۱۳	۰/۲۱۴	۰/۰۷۷	-۰/۰۰۹	-۰/۰۳۱	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل گاز لوله کشی
۰/۰۵۱	-۰/۱۳۱	۰/۰۲۱	۰/۰۰۸	۰/۱۱۴	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل آشپزخانه
۰/۱۲۰	۰/۱۹۰	۰/۰۷۹	۰/۲۴۰	۰/۱۲۰	سهم خانوارهای برخوردار از حمام
-۰/۱۱۰	۰/۱۴۱	۰/۲۷۲	-۰/۰۵۳	-۰/۰۰۴	سهم واحدهای مسکونی از مصالح بادوام
۰/۱۷۸	-۰/۲۸۰	-۰/۲۳۹	۰/۰۸۶	۰/۰۹۲	سهم واحدهای مسکونی از مصالح کم دوام (متوسط)
-۰/۰۵۴	۰/۱۲۴	-۰/۰۹۶	-۰/۰۱۱	-۰/۰۹۹	سهم واحدهای مسکونی از مصالح بی دوام

ج ۵. بارگذاری عامل های استخراجی از شاخص ها (ماتریس عوامل دوران یافته).

بار عاملی	شاخص‌های اولیه	عامل‌ها
۰/۹۴۸	تراکم نفر در واحد مسکونی	عامل رفاهی (۲۵/۴۰۶)
-۰/۹۰۶	سهم خانوارهای برخوردار از تلفن	
۰/۹۰۲	بعد خانوار	
-۰/۸۰۸	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل آب لوله‌کشی	
۰/۷۲۴	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل برق	
۰/۹۸۲	سهم واحدهای مسکونی از مصالح بادوام	عامل استحکام (۲۳/۴۶۷)
-۰/۹۲۸	کمبود مسکن (درصد)	
۰/۷۰۱	متوسط عمر زیربنا	
۰/۶۰۲	سهم واحدهای مسکونی از مصالح بی‌دوام	عامل زیربنایی (۲۱/۳۲۵)
۰/۸۹۹	متوسط تعداد اتاق در اختیار خانوار	
-۰/۷۲۳	تراکم خانوار در واحد مسکونی	
-۰/۵۰۵	سهم واحدهای مسکونی از مصالح کم دوام (متوسط)	
۰/۷۴۴	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل گاز لوله‌کشی	
-۰/۷۰۳	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل سردکننده و گرم‌کننده مرکزی	عامل تأسیسات (۱۴/۹۵۸)
-۰/۶۱۴	سهم خانوارهای برخوردار از حداقل آشپزخانه	
۰/۸۷۴	سهم خانوارهای برخوردار از حمام	
۰/۹۹۰	متوسط تعداد اتاق به ازای هر عضو خانوار	
۰/۵۱۲	سهم خانوارهای مستاجر به درصد	عامل مالکیت (۱۲/۴۵۳)
۰/۶۸۱	تعداد واحدهای مسکونی	
۰/۶۲۴	تعداد خانوار	
۰/۵۴۳	سهم خانوارهای مالک به درصد	

ج ۶. عامل‌های استخراجی از شاخص‌ها و بار عاملی آن‌ها.

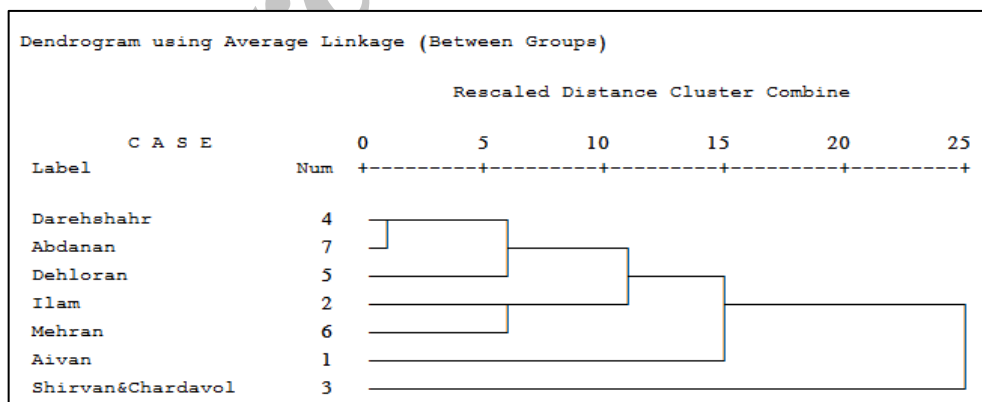
سطح‌بندی مناطق با استفاده از تحلیل خوشه‌ای

در این بخش به منظور سطح‌بندی مناطق روستایی استان ایلام از حیث شاخص‌های مسکن، از روش تحلیل خوشه‌ای که یکی از روش‌های پر کاربرد جهت سطح‌بندی مناطق، شهرها، روستاها و... می‌باشد، استفاده شده است. این روش به محقق امکان می‌دهد که بر مبنای همگنی موجود در بین موارد و موضوعات مورد مطالعه، آن‌ها را به شیوه‌های مناسب طبقه‌بندی کرده و سپس به تفسیر و تبیین نتایج پردازش (کلانتری، ۱۳۸۷، ۲۲۹). الگوریتم‌های عمومی مورد استفاده در تحلیل خوشه‌ای به دو دسته ۱. روش خوشه‌ای سلسله مراتبی^۷ و ۲. روش خوشه‌ای غیر سلسله مراتبی^۸ تقسیم می‌شوند.

روش خوشه‌ای سلسله مراتبی دارای یک ساختار درختی سلسله مراتبی است که خود به دو شیوه: ۱. روش تراکمی و ۲. تفکیک پذیری انجام می‌گیرد. در روش سلسله مراتبی تراکمی که در پژوهش حاضر به کار رفته است هر مورد و یا موضوع با خوشه جداگانه خاص خود آغاز می‌شود و سپس در هر مرحله دو مورد و یا دو موضوع با هم ترکیب شده و خوشه تراکمی جدیدی می‌سازند. بنابراین در هر مرحله تعداد خوشه‌ها به صورت یک به یک کاهش می‌یابد. روش‌های متفاوتی برای تشکیل خوشه‌های تراکمی وجود دارد که عبارتند از:

۱. پیوند تکی ۲. پیوند کامل ۳. پیوند متوسط ۴. روش وارد ۵. روش مرکز ثقل که با توجه به هدف پژوهش و شاخص‌های انتخابی، در پژوهش حاضر از روش پیوند متوسط استفاده شده است. در این روش گروه‌بندی یا طبقه‌بندی بر اساس مقادیر متوسط تمام اعضای خوشه صورت می‌گیرد (کلانتری، ۱۳۸۷، ۳۴۱). بر این اساس مناطق روستایی استان ایلام مطابق "ن ۲" خوشه‌بندی می‌شوند. در این نمودار با در نظر گرفتن سطح آستانه برابر ۶ تعداد چهار گروه به شرح زیر تشکیل می‌گردد:

- گروه اول: در این گروه مناطق روستایی شهرستان شیروان و چرداول قرار دارند.
- گروه دوم: در این گروه مناطق روستایی شهرستان/یوان قرار دارند.
- گروه سوم: در این گروه مناطق روستایی شهرستان ایلام و مهران قرار دارند.
- گروه چهارم: در این گروه مناطق روستایی شهرستان دهلران، آبدانان و دهلران قرار دارند. که از حیث شاخص‌های مسکن در بین مناطق روستایی استان ایلام در پایین‌ترین سطح قرار دارند.



ن ۲. خوشه‌بندی مناطق روستایی استان ایلام با روش سلسله مراتبی تراکمی و روش پیوند متوسط.

اینکه اصولاً برنامه‌ریزی جغرافیایی است (صیدایی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۷)، لذا نرم‌افزار GIS به‌عنوان ابزاری مناسب برای مدیریت، تحلیل و پردازش اطلاعات و آمار در حمایت از عملکرد برنامه‌ریزی شناخته شده است. بر این اساس با استفاده از نرم‌افزار GIS سطح‌بندی بخش‌های استان ایلام، جهت تحلیل فضایی وضعیت توسعه مسکن روستایی با استفاده از سطح‌بندی انحراف معیاری و درجه همگنی در محیط GIS در سطح استان در چهار گروه نشان داده شده و جایگاه هر یک از شهرستان‌های منطقه مورد مطالعه در توسعه مسکن روستایی استان مشخص گردیده است ("ت" ۲).

در این سطح‌بندی مناطقی که در درون یک گروه جای دارند، شباهت زیادی با هم داشته در عین حال با مناطقی که در گروه دیگر قرار گرفته‌اند تفاوت دارند. همچنین رتبه‌بندی شهرستان‌های مورد مطالعه براساس ۵ عامل مطرح شده در "ج" ۷ نشان داده شده است. برای رسیدن به آخرین هدف از پژوهش حاضر، یعنی تحلیل فضایی وضعیت توسعه مسکن روستایی استان ایلام از سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) بهره گرفته شده است. از آنجا که نقشه را می‌توان به‌عنوان وسیله‌ای مناسب برای نمایش فضایی هر عاملی، به‌خصوص مسکن روستایی و وضعیت فضایی آن (با توجه به هدف این پژوهش) انتخاب کرد و با توجه به

شهرستان	عامل رفاهی (رتبه)	عامل استحکام (رتبه)	عامل زیربنایی (رتبه)	عامل تأسیسات (رتبه)	عامل مالکیت (رتبه)
ایوان	۲	۴	۱	۳	۵
ایلام	۶	۳	۵	۲	۳
شیروان و چرداول	۱	۱	۴	۷	۱
دره‌شهر	۴	۷	۳	۵	۲
دهلران	۵	۶	۷	۴	۷
مهران	۳	۲	۲	۱	۶
آبدانان	۷	۵	۶	۶	۴

ج ۷. رتبه‌بندی شهرستان‌های استان ایلام بر مبنای عامل‌های استخراجی از تحلیل عاملی.



ت ۲. نمایش فضایی وضعیت توسعه مسکن روستایی و سطح‌بندی در استان ایلام.

نتیجه

تعیین هدف‌های مشخص، خواسته‌ها و نیاز استان‌ها و مناطق جغرافیایی کشور در قالب شاخص‌های هدف یکی از مسائلی است که طراحان نظام برنامه‌ریزی مسکن روستایی باید به آن توجه ویژه نمایند. در برنامه‌ریزی مسکن روستایی باید مسائلی مانند این‌که تحقق چه نوع مسکن و برای چه نوع جامعه‌ای و یا اینکه چه خصوصیتی از تجربیات بومی (دانش بومی مربوط به مسکن روستایی) باید حفظ و مورد استفاده طراحان قرار گیرد و کدام بخش یا بخش‌ها باید مورد بازبینی و اصلاح قرار گیرد، از اهداف اصلی بوده که باید مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد. بنابراین می‌توان گفت تدوین یک برنامه جامع مسکن، به‌ویژه مسکن روستایی، نیازمند شناسایی کامل و تجزیه و تحلیل عمیق ابعاد گسترده مسکن و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد که در این میان، پرداختن به شاخص‌های مسکن به‌عنوان اصلی‌ترین ابزار برنامه‌ریزی ضروری به‌نظر می‌رسد. با انجام تحقیقات لازم در زمینه شناخت و تجزیه و تحلیل شاخص‌های مختلف مسکن، می‌توان برنامه‌های مسکن را مورد بررسی و نقاط ضعف و قوت آن‌ها را شناسایی و میزان کارایی آن برنامه‌ها را تا حد قابل قبولی بالا برد.

لازم به ذکر است که با وجود آن که این شاخص‌ها هر یک عنصری کلیدی در تعیین کیفیت و کمیت مسکن هستند و هر یک جایگاه خاصی در نظام برنامه‌ریزی مسکن دارند، اما وجود هر یک از آن‌ها به تنهایی شرطی لازم در جهت ارتقای سطح کیفی مسکن نمی‌باشد و آنچه که وجود این شاخص‌ها را به شرطی کافی در بحث کیفیت مسکن تبدیل می‌کند، لزوم وجود همه آن‌ها در کنار هم است. همچنین توجه به خواسته‌ها و نیازهای اساسی گروه‌های مختلف روستایی و شناخت آن خواسته‌ها و نیازهای اساسی از دیگر موارد مهم در تعیین

شاخص‌های هدف مسکن روستایی است که باید مورد توجه قرار گیرد. لذا همان‌طور که نتایج نشان داد، در بررسی بر اساس نتایج حاصل از روش تحلیل خوشه‌ای بر مبنای شاخص‌های انتخابی و امتیازهای حاصله مناطق روستایی استان ایلام به ۴ سطح طبقه‌بندی شد و مناطق روستایی شهرستان شیروان و چرداول در بالاترین سطح و مناطق روستایی شهرستان‌های دهلران، دره‌شهر و آبدانان در پایین‌ترین سطح قرار گرفتند. باتوجه به مطالب گفته شده، لازم است برای رسیدن به وضعیت مطلوب و رفع ناهمگنی موجود، مناطقی که در سطوح پایین قرار دارند در اولویت برنامه‌های مسئولان مربوطه قرار گیرند. البته باید عنوان نمود که این بدان معنی نیست که مناطقی که در سطوح بالاتری قرار دارند در اولویت برنامه‌ها قرار نگیرند بلکه برای دستیابی به پایداری روستاهای منطقه مورد مطالعه از لحاظ مسکن باید به همه مناطق توجه نمود ولی می‌توان پیشنهاد نمود که در مناطق سطوح پایین به ترتیب به شاخص‌های رفاهی، استحکام، زیربنایی، تأسیسات و مالکیت توجه بیشتری شود. همچنین در مناطق سطوح بالا پیشنهاد می‌شود برنامه‌ریزان به‌ترتیب اولویت برنامه‌های خود را به شاخص‌های مالکیت، تأسیسات، زیربنایی، استحکام و رفاهی معطوف بدانند. البته لازم به ذکر است که با در نظر گرفتن شرایط اقلیمی متفاوت در سطح استان، مناطقی که در سطوح همگن قرار گرفته‌اند الزاماً از شرایط محیط طبیعی یکسانی برخوردار نیستند و لازم است با ارائه الگوهای مناسب برای هر منطقه برنامه‌ریزی‌های مؤثر و عملی در جهت بهبود وضعیت مسکن آن‌ها انجام گیرد.

در ساخت و ساز مسکن در هر منطقه، باید به نیازهای معیشتی افراد آن منطقه توجه ویژه‌ای نمود. همچنین باید توجه داشت که مسکن احداثی برای چه

- بصیری پارسا، نیره. (۱۳۸۸)، تحلیل شاخص‌های کمی و کیفی مسکن روستایی با استفاده از مدل SWOT مطالعه موردی روستاهای استان همدان، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- بهرامی، رحمت‌الله. (۱۳۹۰)، تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی در استان کرمانشاه، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۴، صص ۹۵-۱۰۴.
- جیبی، فرح. (۱۳۸۳)، مروری دوباره بر مسکن، فصلنامه مسکن و انقلاب، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، شماره ۱۰۶، صص ۱۴-۲۹.
- حیدری، علی. (۱۳۹۰)، بررسی شاخص‌های کیفیت زندگی در سکونتگاه‌های روستایی استان کهگیلویه و بویراحمد، مسکن و محیط روستا، شماره (۱۲) ۱۳۶، جلد ۳۰، صص ۵۱-۶۶.
- دلال پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۷۹)، برنامه‌ریزی مسکن، انتشارات سمت، چاپ اول، صص ۱-۱۷۲.
- دلاور، علی. (۱۳۸۴)، مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و علوم اجتماعی، انتشارات رشد، تهران.
- ستارزاده، داوود. (۱۳۸۸)، بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران در سال ۱۳۸۵، فصلنامه جمعیت، شماره ۶۷-۶۸، صص ۵۷-۷۹.
- سرتیپی پور، محسن. (۱۳۸۷)، ارزیابی و تحلیل ویژگی‌های مسکن روستایی در ایران، همایش سیاست‌های توسعه مسکن در ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، مهر ماه ۱۳۸۷.
- صیدایی، سید اسکندر، صدیقه کیانی و زهرا سلطانی. (۱۳۸۹)، تحلیل فضایی وضعیت مسکن روستایی در استان کهگیلویه و بویر احمد، پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۲، صص ۱-۲۷.
- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۳)، جایگاه شاخص‌های مسکن در فرایند برنامه‌ریزی مسکن، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۱۷، صص ۳۱-۴۲.
- عزیزی، محمد مهدی. (۱۳۸۴)، تحلیلی بر جایگاه و دگرگونی شاخص‌های مسکن شهری در ایران، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، صص ۲۵-۳۴.
- علی‌الحسابی، مهران. (۱۳۷۲)، الگوی مسکن روستایی: پژوهشی در معماری روستایی استان خراسان، دفتر دوم، تهران، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.

قشری از جامعه ساخته می‌شود، دارای چه ویژگی معیشتی هستند، فرهنگ غالب آن منطقه کدام است، آب و هوایی آن منطقه چگونه است و به عواملی از این قبیل باید توجه ویژه‌ای نمود. طراحی مناسب هر مسکن و فضای مطلوب آن نشان‌دهنده نیازها، اعتقادات، شیوه زندگی، خواسته‌های ساکنان هر از مسکن خود است. به‌طور کلی نتایج این مطالعه نشان می‌دهد روستاهای حوزه شمال و شمال غربی استان ایلام از نظر شاخص‌های کمی و کیفی مورد مطالعه توسعه یافته‌تر و در مقابل روستاهای حوزه جنوبی از توسعه قابل توجهی برخوردار نیستند. لذا پیشنهاد می‌شود که تمرکز اصلی برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری‌های مسکن روستایی در حوزه جنوبی استان باشد.

پی نوشت

1. keili
2. Bartlett Test
3. Initial Eigenvalues
4. Extraction Sums of Squared Loadings
5. Rotation Sums of Squared Loadings
6. Common Factor
7. Hierarchical Cluster Procedure
8. Nonherarchical Cluster Procedure

منابع

- اعتماد، گیتی. (۱۳۶۹)، مالکیت مسکن و تأثیر آن در سازمان‌یابی و فضای شهری، فصلنامه معماری و شهرسازی، شماره ۹، صص ۳۳-۴۵.
- باستیه، زان، درز برنار. (۱۳۷۷)، شهر، ترجمه علی اشرفی، انتشارات دانشگاه هنر، ص ۲۹۶، تهران.
- بدری، سیدعلی، سیروس، موسوی. (۱۳۸۹)، تحلیلی بر روند تغییرات برخی ویژگی‌های مسکن روستایی در ایران. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ایران، زاهدان، صص ۱-۱۴.

- Arnott, R. (2008), *Housing Policy in Developing Countries: The Importance of the Informal Economy*, World Bank, Commission on Growth and Development, P:11.
- Buckley, R. & Jerry, Kalarickal. (2005), *Housing Policy in Developing Countries: Conjectures and Refutations*, World Bank Res Obs (Fall 2005), 233-257.
- Gallent, N. & [Steve Robinson](#). (2011), *Local perspectives on rural housing affordability and implications for the localism agenda in England*, [Journal of Rural Studies](#), Volume 27, Pages 297-307, Available online July 2011.
- علی‌الحسابی، مهران و نفسیه، نگارش. (۱۳۸۹)، تجلی فضای جمعی در سکونتگاه‌های روستایی. مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۲، دوره ۴، صص ۲۹-۳۸.
- فرشادفر، عزت‌اله. (۱۳۸۴)، اصول و روش‌های آماری چند متغیره، انتشارات طاق بستان، کرمانشاه.
- قرخلو، مهدی و محمد، اکبرپورسراسکانرود. (۱۳۸۶)، بررسی کمبود مسکن در شهرهای ایران، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۱۹، صص ۲۴-۳۵.
- قنبری، ابوالفضل. (۱۳۹۰)، تحلیلی بر نابرابری‌های مسکن روستایی شهرستان‌های استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۸۷، مسکن و محیط روستا، شماره ۱۳۶، صص ۳۳-۵۰.
- کلانتری، خلیل. (۱۳۸۷)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی-اقتصادی، نشر فرهنگ صبا، تهران چاپ چهارم.
- کلاین، پاول. (۱۳۸۱)، راهنمای آسان تحلیل عاملی ترجمه محمد ولی علیثی و سید محمد سندسی، انتشارات دانشگاه امام حسین، تهران.
- لطفی، حیدر، علی احمدی و داود حسن زاده فرجود. (۱۳۸۸)، شاخص‌ها و مولفه‌های ضروری در برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری مسکن روستایی در ایران، فصلنامه آمایش سرزمین، شماره ۷، صص ۱۰۵-۱۲۸.
- مسائلی، صدیقه. (۱۳۸۶)، نقش پنهان، دست‌آورد باورهای دینی در معماری تحلیل تأثیر تفکر اسلامی بر مسکن سنتی کویری ایران: نمونه کرمان. پایان نامه دکترای تخصصی، پردیس هنرهای زیبا، دانشکده معماری، دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران. (۱۳۸۵)، سرشماری عمومی نفوس و مسکن، نتایج کلی استان ایلام.
- ملکی، سعید. (۱۳۸۲)، بررسی نقش شاخص‌های اجتماعی مسکن در برنامه‌ریزی توسعه مسکن در شهر ایلام، فصلنامه مسکن و انقلاب، شماره ۱۰۴، صص ۶۰-۷۶.
- ملکی، سعید. (۱۳۹۰)، بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان اهواز. مسکن و محیط روستا، شماره ۱۲۹، دوره ۲۹، صص ۳۲-۴۹.
- مؤمنی، منصور. (۱۳۸۶)، تحلیل‌های آماری با استفاده از نرم افزار SPSS، انتشارات کتاب نو، تهران.